روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

سه‌شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۶۸۰

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
۲ چیز است که قدرش را نمی‌شناسد، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد، یکی «جوانی» و دیگری «تندرستی و عافیت».

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۹ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۰۳
■ اذان مغرب: ۱۷:۲۳ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۴
■ اذان صبح فردا: ۵:۴۵ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا
فی بُعدها عذابٌ فی قُربها السلامه
حافظ

حماسه

سه‌شنبه

آن مرد عطر و بوی پسرم را داشت

علی‌الله سلیمی

به پیرزن نگفتند چه اتفاقی افتاده است. هر چند خودش یک حدس‌هایی می‌زد؛ اینکه اتفاقی افتاده و اطرافیانش دارند از او مخفی می‌کنند. نمی‌گویند که تا حال بد او از اینکه هست بدتر نشود. مدت‌ها بود رفتارهای اطرافیانش تغییر کرده بود. از وقتی که در بستر بیماری افتاده بوده، رفت‌وآمدها به خانه‌اش بیشتر شده بود. هر کسی که می‌آمد می‌خواست برای پیرزن کاری بکند. زن‌های همسایه و دوست و آشنا می‌آمدند رخت و لباس‌های پیرزن را می‌شستند، آشپزخانه را تمیز و مرتب می‌کردند و نمی‌گذاشتند ظرف نشسته‌ای در خانه و آشپزخانه بماند. از هر دری برای پیرزن صحبت می‌کردند و نمی‌گذاشتند در روزهای سخت بیماری، تنهایی و بی‌کسی آزارش دهد. پیرزن از دار دنیا فقط یک پسر داشت، پسری رشید و بلندبالا که همه زندگی‌اش بود. با پول کارگری پسرش را بزرگ کرده بود و از وقتی پسرش قد کشیده و نیروی جوانی را حس کرده بود، دیگر نمی‌گذاشت پیرزن دست به سیاه و سفید بزند، کارگری کند و دغدغه نان و آب خانه را داشته باشد. پسر رشید پیرزن خیلی زود رفت سر کار؛ پول درآورد و نان سرسفره پیرزن گذاشت. دغدغه‌های پیرزن کم‌کم داشت کم می‌شد که جنگ شروع شد. جوان‌ها گروه‌گروه برای دفاع از آب و خاک و دین و ایمان خود راهی جبهه‌ها شدند. دل پسر پیرزن هم هوای جبهه‌ها را کرد. دغدغه‌ای مهم‌تر از کارگری و نان سرسفره خانه آوردن پیش آمده بود؛ دفاع از دین و میهن. پسر با خود اندیشید مادر هنوز سرپاست و می‌تواند در غیاب او هم سرپا بماند و روزگار بگذراند؛ هر چند با کمی سختی، ولی با افتخار؛ افتخار مادر یک رزمنده بودن. با همین فکر و خیال بود که پسر آنچه را که در دل داشت برای مادر گفت. مادر ابتدا دل‌نگران شد اما راضی به رضای خدا شد و فرزند را برای پیوستن به رزمندگان دیگری که در جبهه‌ها می‌جنگیدند بدرقه کرد. پسر رفت و ماه‌ها نیامد. بی‌خبری، داشت مادر را از پا درمی‌آورد که خبر آمد پسر به شهادت رسیده است. دوستان و همرزمان پسر آمدند به خانه پیرزن، که ما را قابل بدان و جای پسر شهید خود بدان و هر کاری که داری به ما بگو. پیرزن آه کشید و هیچ نگفت. بلند شد از دوستان و همرزمان پسرش پذیرایی کرد و گفت خانه پسرش خانه دوستان و همرزمان او هم هست. هر موقع خواستند برای دیدار و احوالپرسی بیایند قدم‌شان روی چشم اما هنوز او، مادر شهید، آن‌قدر توان دارد که کارهای خود و خانه‌اش را خودش انجام دهد و باز هم قدردانی کرد از مهمانانی که روزی با پسرش هم‌سنگر و هم‌کلام بودند. از رفت‌وآمد هم‌سنگران پسر شهید پیرزن به خانه او به مرور کم شد اما یک نفر بود که مرتب احوال مادر شهید را می‌پرسید. توان جسم و سوی چشم‌های پیرزن به مرور کم می‌شد اما آن یک نفر پیوسته جویای احوال او بود. آن مرد هر جا بود، از سوریه، از عراق، از لبنان، زنگ می‌زد و احوال پیرزن را می‌پرسید. به شهر زادگاهش که زادگاه پسر پیرزن هم بود که می‌آمد، حتما می‌رفت دیدنش. پیرزن کسی را نداشت. آن مرد آستین بالا می‌زد و دستی به سروگوش خانه می‌کشید. تشک و ملحفه تخت پیرزن را مرتب می‌کرد. استکان‌ها را می‌شست؛ خلاصه هر کاری از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد. بعد هم ۲ تا چای قندپهلو می‌ریخت و می‌نشست کنار مادر شهید. لبخند پیرزن خستگی را از جان آن مرد می‌شست و می‌برد. حالا مدت‌ها بود از آن مرد خبری نبود. دیگران می‌آمدند کاری برای پیرزن بکنند، اما او مدام از مردی می‌پرسید که مدت‌ها بود خبری از او نداشت. اطرافیانش می‌خواستند بگویند آن مرد در بامداد یک روز جمعه از فرودگاه بغداد به آسمان عروج کرد، اما دست نگه‌می‌داشتند حال پیرزن کمی بهتر شود تا این خبر جگرسوز و جانگداز را سرانجام به او هم بگویند. پیرزن کم‌طاقت و دلتنگ شده بود و مدام می‌گفت: آن مرد عطر و بوی پسرم را داشت.

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۳۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

درخشش دختر همدانی در دنیا با نام شهدا

نگاه

جواد نصرتی
روزنامه‌نگار

زهرا جعفرپور، دختر نوجوان ملایری، با سبک زندگی منحصربه‌فرد و توجه به معنویات و سلامت تن و روان خود، به جایگاهی بی‌نظیر در دنیا رسیده و موفق شده با پشتکار فراوان و مدد از نام شهدا، به دستاوردهای بی‌نظیری در دنیا برسد.

به گزارش خبرگزاری فارس، جعفرپور مطالعه و تلاش علمی، ورزش و تهذیب نفس را به روش خودش و همزمان انجام می‌دهد. او در زمینه علمی، در تولید نانوذرات الکترواسپری فعالیت چشمگیری دارد و نه‌تنها مقام استانی دارد که به مرحله کشوری هم رسیده است. این دختر که در کلاس دوازدهم درس می‌خواند، سال‌هاست یکی از استعدادهای بی‌نظیر ورزشی دنیا بوده و رکوردهایی با حلقه هولاهوپ به نام خودش ثبت کرده که به‌نظر می‌رسد به این زودی‌ها شکسته نخواهند شد. او در کنار همه اینها، به تهذیب‌نفس می‌پردازد و حافظ جزء سی‌ام قرآن است و همیشه به یاد شهداست.

جعفرپور درباره فعالیت‌های علمی‌اش گفته است: «در نانوفناوری با استفاده از وسیله‌ای به نام الکتروریسی با پاشش نانوذرات روی درام، باعث تولید نانوالیاف شدیم که در نساجی و... کاربرد دارد. چون به علم نانو علاقه داشتم در مورد این رشته پرس‌وجو کردم و وارد تحقیق شدم.»

در حوزه ورزش، او ژیمناستیک را از کودکی زیرنظر مادرش که مربی‌اش بوده شروع کرده و رکوردهای عجیبی از خود به جا گذاشته است. او درحالی که تنها ۶سال داشت توانست مسافت یک کیلومتر و ۵۲۴متر را با حلقه هولاهوپ در ورزشگاه آزادی طی و رکوردی جهانی را به نام خود ثبت کند و حکم رکوردش را از آلمان بگیرد. طی کردن پله‌های برج میلاد با هولاهوپ، طی کردن مسافت بین حرم حضرت معصومه(س) تا مسجد مقدس جمکران و طی کردن مسافت بیش از یک کیلومتری در آب‌های خلیج‌فارس با هولاهوپ از دیگر رکوردهای این دختر باانگیزه است. رکورد جهانی ضربه دلیا به میت تکواندو هم به نام این دختر ورزشکار ثبت شده است. جعفرپور ۸هزار حرکت ورزشی چرخ و فلک را هم به یاد ۸هزار شهید استان همدان ثبت کرده و مدال این رکورد را به موزه دفاع‌مقدس همدان اهدا کرده است.

او انگیزه‌های زیادی برای آینده دارد و از آن مهم‌تر دوست دارد که دانش‌آموزان دیگر هم همچون خودش در این مسیر قرار بگیرند و بتوانند با مدد از نام شهدا، به چیزهایی که دوست دارند برسند؛ «هدفم برای آینده این است که تمام تلاشم را داشته باشم و بقیه‌اش را به خدا می‌سپارم، قطعا هرچه خواست خدا باشد بهتر است. به هم‌سن‌وسالان خود توصیه می‌کنم که همواره راه شهدا را سرلوحه زندگی خود قرار دهند چراکه زندگی‌ای که با نام شهدا باشد قطعا همواره موفقیت‌هایی به همراه دارد. من همیشه سعی می‌کنم از تمام وقت و لحظه‌هایم به خوبی استفاده کنم و لذت ببرم به‌طوری که هم‌اکنون مشغول ورزش، تحصیل و ادامه پژوهش‌هایم هستم.»

اول آخر

مهمانی کتابداران کتابخانه‌های عمومی با کودکان عشایر ■ عکس: سید خلیل موسوی

دیالوگ

بی‌خوابی در سیاتل

نورا افرون

می‌خوام هر روز از رختخوابم بیام بیرون و تمام طول روز رو فقط نفس بکشم. بعد از یه‌مدت، دیگه لازم نیست به خودم یادآوری کنم که باید از رختخواب بیام بیرون و تمام طول روز رو فقط نفس بکشم و بعد از مدتی، دیگه حتی لازم نیست به این فکر کنم که این کار رو چقدر خوب انجام دادم!

بوک مارک

استونر

جان ویلیامز

در کتابخانه دانشگاه در میان قفسه‌های هزارها کتاب می‌گشت، و بوی چرم و صفحه‌های خشک و شکننده را فرومی‌کشید گویی بخوری نادر را بو می‌کند. گاهی می‌ایستاد، کتابی را از قفسه‌ای برمی‌داشت، و لحظه‌ای آن را در دست‌های بزرگ خود نگه می‌داشت، که از حس هنوز ناآشنای شیرازه، جلد و ورق‌های خم‌پذیر کتاب دچار لرزشی خفیف می‌شد. سپس کتاب را ورق می‌زد و قطعه‌ای را می‌خواند. با احتیاط ورق می‌زد مبادا انگشتان ناشی‌اش برگ‌های کتابی را که جان می‌کندند تا کشفش کنند، بدرند و نابود کنند.

انجامش بده

به نام سردار

این روزها حال و هوای شهر رنگ دیگری به‌خود گرفته و یادآور سالروز شهادت بزرگ مردی از جنس افلاکیان است؛ سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی که محبوبیت و جایگاهی ویژه در بین مردم داشت. شهرداری تهران چندروزی است که برنامه‌های ویژه‌ای را به مناسبت شهادت سردار سلیمانی در سطح شهر برگزار می‌کند که یکی از این برنامه‌ها روز گذشته در ایوان انتظار میدان ولیعصر(عج) واقع در ایستگاه متروی ولیعصر(عج) اجرا شد. در این برنامه کتاب «کتاب‌شناسی شهید حاج‌قاسم سلیمانی» و بخش تخصصی سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی در کتابخانه عمومی ایستگاه میدان ولیعصر(عج) با حضور چندین نفر از مسئولان شهرداری مانند معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران رونمایی شد. امیر قاسمی، رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران هم که در این آیین حضور داشت درباره این کتاب گفت: آثار منتشر شده حاج‌قاسم جمع‌آوری و برای شناساندن کتبی که در این زمینه چاپ شده، کتاب‌شناسی حاج‌قاسم تدوین شد. امیدواریم مردم با بالا بردن سرانه مطالعه به‌ویژه مطالعه زندگی حاج‌قاسم بهترین بهره را از وجود ایشان ببرند. این کتاب به کوشش مهرشاد کاظمی و مریم خلیل‌زاده مقدم، به معرفی ۲۰۰جلد کتاب تالیفی با موضوع سردار سلیمانی پرداخته و ناشر این کتاب معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و مؤسسه همشهری است. از این پس هم می‌توانید در بخش تخصصی کتابخانه ایستگاه متروی ولیعصر(عج) کتاب‌هایی که به نام سردار یا درباره ایشان است را پیدا کنید. علاوه بر این، یکی دیگر از برنامه‌های شهرداری تهران به مناسبت سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، یک روز بازدید رایگان از موزه‌ها و اماکن فرهنگی و تاریخی تحت پوشش وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است. اگر مایلید سری به موزه یا اماکن فرهنگی بزنید، امروز می‌توانید بدون تهیه بلیت و به‌صورت رایگان از این مکان‌ها دیدن کنید.

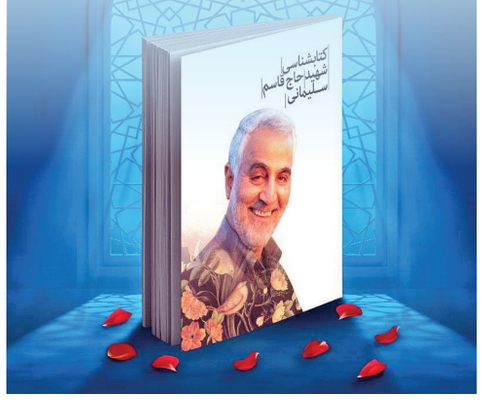

فرهنگ و زندگی

تنها نمون

حتما شده که یک جایی یا یک وقتی احساس تنهایی کرده باشید و این احساس شما را آزار داده باشد. عده‌ای ناخواسته گاهی دچار احساس تنهایی می‌شوند و افرادی هم هستند که خودخواسته تنها بودن را انتخاب می‌کنند. درهرحالت محققان معتقدند که تنهایی و انزوا می‌تواند روی روح و روان و همچنین جسم آدم تأثیر منفی بگذارد. چرا که مغز انسان تنهایی را همچون یک عامل اضطراب می‌شناسد. تحقیقات نشان می‌دهند که تنهایی و کمبود روابط اجتماعی با التهاب و افزایش بیماری‌های قلبی-عروقی در تماس است.

نترسید! خیلی طبیعی است که هر شخصی زمانی را در زندگی خود به تنها بودن اختصاص می‌دهد. یا هر از گاهی همه ما تنهایی و غمگین بودن را احساس می‌کنیم که در کوتاه‌مدت از بین می‌رود. در نتیجه احساس تنهایی با تنها بودن مساوی نیست، فقط زمانی در دام تنهایی می‌افتیم، که درگیر یک مشکل واقعی و جدی شده‌ایم. با این همه خلاص شدن از شر تنهایی هم راه و روش خودش را دارد. روانشناسان معتقدند که برای تنها نماندن، باید سعی کنید دست‌کم چند رابطه عمیق و نزدیک با دوستان، خانواده و همکارانتان ایجاد کنید. روابط احتیاج به تلاش و مواظبت پیوسته دارند. اگر یک رابطه بسیار عمیق را به حال خود رها کنید کم کم کمرنگ خواهد شد. وقتی با کسی صمیمی هستید، سعی کنید در اتفاقات مهم زندگی او نقش داشته باشید. ضمن اینکه بهتر است فعالیت‌های خارج از خانه را افزایش دهید. در زندگی هر شخصی باید زمانی برای ورزش‌های دسته‌جمعی، فعالیت‌های اجتماعی و خلاقانه و همینطور فعالیت‌های داوطلبانه وجود داشته باشد. تحقیق کنید و حتی اگر مشغله‌های کاری زیادی دارید سعی کنید کمی از این فعالیت‌ها به زندگی روزمره خود اضافه کنید. خلاصه‌اش اینکه برای خوشحال و شاد بودن و حال خوب داشتن، تنها نمانید.

گرینویچ

قدبلندترین مرد دنیا از غنا

کمتر پیش می‌آید انسان‌ها، از ویژگی‌های منحصر به فرد خود خبر نداشته باشند؛ اما مورد عجیب قدبلندترین مرد دنیا، این روزها مورد توجه قرار گرفته است. سلیمان عبدالصمد ۲۹ساله همیشه به‌خاطر قد بلندش در غنا مورد توجه قرار می‌گرفت اما نه دیگران، و نه حتی خودش هم فکر نمی‌کردند که او، قدبلندترین مرد دنیا باشد. این مرد جوان، که به یک بیماری به نام ژیگانتیسم مبتلاست، در آخرین اندازه‌گیری، ۲متر و ۸۹سانتی‌متر بوده است.

قد او چنان بلند است که مسئولان کلینیکی که او به آن مراجعه می‌کردند، برای اندازه‌گیری دقیق قد او مشکل داشتند. اما درنهایت، قد او به‌صورت دقیق ثبت شد و حالا در غنا، او بلندترین مرد دنیا اعلام شده است. و البته این پایان کار نیست؛ این مرد به‌خاطر بیماری‌اش، که پیامد آن رشد غیرطبیعی است، همچنان در حال رشد است و انتظار می‌رود در آینده، حتی قدش از این هم بلندتر شود.

بسته پستی با جمجمه انسان

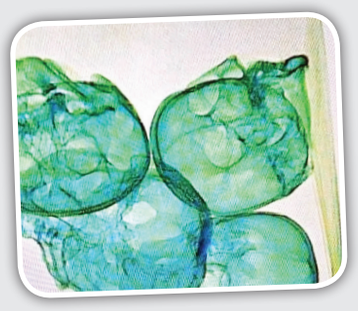

گاهی خلافکاران در مکزیک با ارسال بسته‌هایی از طریق پست، چیزهای ممنوعه جا به جا می‌کنند. قطعا هیچ‌کدام از کشفیات در این کشور، به اندازه پیدا کردن استخوان‌های ۴ انسان عجیب و غریب نبوده است. مقامات در یک فرودگاه بین‌المللی در مکزیک اعلام کرده‌اند که در یک بسته پستی، جمجمه سالم ۴ انسان را کشف کرده‌اند. گارد ملی مکزیک گفته است که این جمجمه‌ها را بعد از اینکه بسته را زیر دستگاه اکس‌ری برده‌اند کشف کرده‌اند. جمجمه‌ها، احتمالا با این گمان که زیر تابش اشعه ایکس مشخص نخواهد شد، در فویل‌های فلزی نازکی پیچیده شده بودند. با این حال، به‌نظر می‌رسد با توجه به مبدا آنها، می‌توان آنها را به باندهای تبهکار ربط داد. این بسته از استان میچوکان ارسال شده، جایی که به خاطر خشونت‌های کارتل‌های موادمخدر شهرتی جهانی دارد.

خوش‌شانس‌ترین خلبان دنیا

خلبان‌های زیادی هستند که از سوانح هوایی عجیب و غریبی جان سالم به در برده‌اند. اما روایت دوباره یک حادثه عجیب برای یک خلبان خوش‌شانس، توجه را به یکی از باورنکردنی‌ترین سوانح هوایی جلب کرده است. یک حساب در توییتر، ماجرای به بیرون مکیده شدن یک خلبان حین پرواز را بازنشر داده و البته مخاطبان را دیوانه کرده است. این ماجرا، که در زمان خودش هم خبرساز شد، از این قرار است که حین پرواز یک هواپیمای بریتیش ایرویز از انگلیس به اسپانیا، شیشه جلوی کابین خلبان در ارتفاع ۶هزار متری شکسته شده و خلبان آن، کاپیتان تیم لانکاستر به بیرون کشیده شد. در یک آن، کمک خلبان او پیش از جدا شدن کامل خلبان و پاهایش او را محکم گرفت. در همین حال، یک خدمه دیگر هم کمک خلبان را گرفت و مانع کشیده شدن او به بیرون شد. بلافاصله یک کمک خلبان دیگر، پشت بی‌سیم رفت و تقاضای فرود اضطراری کرد. درنهایت، هیچ‌کس در این سانحه آسیب جدی ندید. حتی یک فیلم مستند هم سال‌ها پیش در این‌باره ساخته شده و تصاویری که در حساب توییتر منتشر شده، تصاویر بازسازی شده همان فیلم است. انتشار این عکس‌ها، دوباره توجه را به این سانحه جلب کرده است.